

ساترا؛ ناجی «قورباغه»



گروه فرهنگی: سریال «قورباغه» از همان ابتدا با حرف و حدیث و ماجرا همراه بود و بالاخره و چند روز پس از انتشار خبر توقیف آن، ساترا اعلام کرد این سریال می‌تواند منتشر شود و دلیل واقعی

توقیف هم اعلام نشد. علی سعد معاون کاربران و تنظیم‌گری اجتماعی ساترا این خبر را با نوشتن توثیتی در توئیتر اعلام کرد. او نوشت: «با پیگیری‌های ساترا و تعامل با قوه قضائیه سازوکار مناسب برای رفع دغدغه‌های مقام محترم قضایی صورت گرفت. پلتفرم با رعایت فرآیندها می‌تواند سریال قورباغه را برای کاربران عرضه کند.»

در روزهایی که به دلیل شیوع بیماری کرونا و تعطیلی سینماها سریال‌های ایرانی و خارجی طرفدارهای بیشتری پیدا کرده‌اند و بازار پلت فرم‌های پخش فیلم و سریال هم داغ‌تر شده است، خیلی‌ها منتظر «قورباغه» بودند. وجود نام‌هایی مانند هومن سیدی به عنوان کارگردان و نوید محمدزاده و صابر ابر به عنوان بازیگران این سریال باعث شده بود سریال بین‌های ایرانی منتظرش باشند اما ۲۴ آذر و دقیقاً روزی که قرار



بود منتشر شود پلت‌فرم نماوا اعلام کرد که پخش آن فعلاً به دستور قضایی و به‌منظور پایش و نظارت متوقف شده است. در حالی که شهرها پر شده بود از یلبوردهای تبلیغاتی سریال و یک علامت سؤال بزرگ در ذهن مخاطبان و ارشاد اسلامی، اخذ مجوز از سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر (ساترا) و دریافت تأیید از مؤسسه ناجی هنر این اتفاق افتاده است؟

البته این مساله چندان هم غیرقابل پیش‌بینی نبود چون مدتی پیش هومن سیدی کارگردان سریال در اینستاگرامش از اینکه مجوز نمایش سریالش هنوز صادر نشده گلایه کرده بود. هرچند که خیلی‌ها این پست و گلایه را به حساب گرم کردن بازار «قورباغه» گذاشتند. همه اینها و اینکه درجه بندی سنی سریال به‌دلیل صحنه‌های خشن یک دفعه از +۱۵ به +۱۸ تغییر کرد خودبه خود بازار این سریال را داغ کرد. خیلی‌ها می‌گفتند دلیل اصلی توقیف همین صحنه‌های خشن بوده و حتی روزنامه کیهان هم

بدون اشاره به نام سریال و البته با اشاره به داستان و نکاتی که مشخص می‌کرد مسأله «قورباغه» است درباره همین مسأله نوشته بود و هشدار داده بود اما روابط عمومی دادسرای عمومی و انقلاب تهران این ادعاها را رد و اعلام کرد که ادعاها مطرح شده درباره توقیف یک سریال شبکه خانگی از سوی دادسرای عمومی و انقلاب تهران صحت ندارد و پخش این سریال با توجه به گزارش‌های ضابطین و برخی ابهامات در مورد لزوم بررسی منشأ هزینه‌های تهیه و تولید سریال به تأخیر افتاده است. دو روز پیش از خبر رفع توقیف این سریال علی سعد درباره سرنوشت «قورباغه» گفته بود: «یکی از سیاست‌های ارزشمند ریاست محترم قوه قضائیه، پیگیری تخلفات مالی و احقاق حقوق عمومی بدون ضربه خوردن به تولید داخل و معیشت فعالان آن عرصه است. در همین راستا بعد از اعلام توقیف موقت سریال «قورباغه» که پس از بازبینی، ممنوعیت پخش از منظر ساترا ندارد، رایزنی با دستگاه قضا را شروع کردیم تا به راه‌حلی دست یابیم که هم

سریال امکان پخش یابد و در عین حال دغدغه‌های دستگاه قضا به طور کامل پوشش داده شود.»

حالا که سعد اعلام کرده سازوکار مناسب برای رفع دغدغه‌های دستگاه قضا انجام شده به نظر می‌رسد ساترا به عنوان منجی سریال «قورباغه» مطرح شده است. منجی ای که پیش از این در بین اهالی هنر محبوب نبوده است و حال با این کار برای خود محبوبیت خریده است. سعد در این توثیت و در خبری که دو روز پیش اعلام کرد از پیگیری‌های ساترا برای حل مشکلات این سریال خبر داده بود که هنوز هم مشخص نیست چه مشکلاتی بوده است. دستگاه قضا اعلام کرد که منشأ هزینه‌های تهیه و تولید این سریال مسأله اصلی بوده و مشخص نیست پس از یک هفته چطور این دغدغه‌ها رفع شده که «قورباغه» مجوز پخشش را گرفته است. هرچند که هنوز هم تاریخ دقیقی برای آغاز پخش این سریال پرحاشیه اعلام نشده است. طبق اعلام روابط عمومی نماوا این سریال از سوم دی ماه ساعت ۸ شب پخش می‌شود

بهانه سالروز درگذشت مولانا شاعر و عارف بزرگ

نغمه‌های موسیقی در سماع مولانا

ندا سبجانی
خبرنگار

پرداختن به اشعارمولانا در قالب موسیقایی با تمامی اشعاری که مولانا با اوزان موسیقایی سروده است هرکدام زیبایی و فلسفه گسترده‌ای دارد و از هر منظر که به آن نگاه گردد این استنباط حاصل می‌گردد که مولانا با آنکه شاعری عارف است، عاشق موسیقی

هم بوده و این پیوند تنگاتنگ در اغلب آثارش مانند کلیات شمس یا مثنوی دیده می‌شود و در اشعار خود از سازهای گوناگونی همچون نی، رباب، چنگ، دهل، دف، سرنا، طبل، تنبور، عود وربط با اشتیاق می‌سراید و آزرقص و سماع سخن می‌گوید و حتی دربرخی از این اشعار، اشاره شده که مولانا خود نوازنده رباب بوده است، به‌عنوان مثال: «بشنوید از ناله و بانگ رباب /نکته‌های عشق در صد گونه باب»، یا «ناله سسرنآ و آواز دهل /چیزکی ماند بدان ناقدور کل»، «بشنو ازنی چون حکایت می‌کند از جدایی‌ها شکایت می‌کند» و صدها شعر دیگر.

با این تفسیر که شاید بتوان گفت یکی از دلایل مهم گرایش آهنگسازان و خوانندگان به اشعارمولانا علاوه برتعابیرزیبایی که از آن دریافت می‌شود، درک و بینش موسیقایی

آن است،اما در بین این مشتاقان موسیقی، گروه تنبور شمس که امروز گروه شمس نامیده می‌شود با سرپرستی و آهنگسازی کیخسرو پورناظری، نگاه و علاقه ای خاص تر به آثار مولانا داشته و از زمان فعالیت این گروه تقریباً تمامی آثار که منتشر شده با اشعار مولانا جلال‌الدین بلخی بوده که شنیدن آنها خالی از لطف نیست و به علاقه‌مندان آن پیشنهاد می‌شود، به‌عنوان مثال: «مہتاب رو» آلبومی با صدای شهرام ناظری و آهنگسازی کیخسرو پورناظری و با همراهی نوازندگان گروه تنبور شمس که هر ۵ قطعه آن ازسروده‌های مولانا است.

«صدای سخن عشق» دیگر آلبومی است که با هنرنمایی نوازندگان این گروه و با صدای شهرام ناظری منتشر شد. «باید که جمله جان شوی» و «کوی عشق» از اشعار مولانا بهره گرفته شده است. «حیرانی» سومین همکاری ناظری با گروه تنبور شمس است و دو قطعه «شد زغمت» و «آواز رها»، با اشعار مولوی است.

«پنهان چو دل» اثری به خوانندگی حمیدرضا نوربخش و آهنگسازی کیخسرو، تهمورس و سهراب پورناظری که دراین آلبوم هم در کنار شعر دیگر شاعران به اشعار مولانا هم توجه شده است. «افسانه تنبور» آلبومی در ژانر موسیقی سنتی و فولکوریک با ۸ قطعه به آهنگسازی کیخسرو پورناظری و با صدای بیژن کامکار که اشعار آن از حافظ و مولانا است. «برسماع تنبور» با صدای علیرضا قربانی و آهنگسازی خانواده پورناظری که اشعار آن به سروده مولانا و سلمان ساوجی است. اما شاخص‌ترین کار گروه تنبور شمس ؛ در ادای احترام به حضرت مولانا ، آلبومی است براساس کنسرتی که تابستان سال ۸۶ در کاخ سعد آباد برگزار شد.این برنامه که به‌عنوان «بزرگداشت سال جهانی مولانا» برپا شد، چهارشب اجرا به همراهی سماع‌گران قونیه و نوازندگان خارجی از کشورهای فرانسه و ترکیه بود و به دلیل استقبال بسیارخوب این اجرا سال ۸۸ به صورت آلبومی تصویری با همین نام منتشر شد.این کار بر دوبخش موسیقی تنبور و موسیقی ملی با آهنگسازی خانواده پورناظری است و براساس اشعار مولانا ساخته شده است؛ خوانندگی را هم سهراب پورناظری، فرشاد جمالی و نجمه تجدد برعهده داشته‌اند.

دنیای جادوگران در قاب کوچک



دنیا پایایی
خبرنگار

در سال ۲۰۲۰ شبکه نتفلیکس سریال انیمیشنی برای کودکان بالای ۷ سال و نوجوانان به‌نام «جادوگران: داستان‌های آرکادیا» پخش کرد.

طبق اخباری که سایت نتفلیکس منتشر کرده این سریال به کارگردانی گی یرمو دل تورو تنها یک فصل دارد که ۱۰ قسمت است و برای ادامه فصل دوم هنوز تصمیمی گرفته نشده است.

نکته چشمگیر این سریال حضور گی یرمو دل تورو گومز است که او استاد فانتزی در سینما است و فیلم‌های «هزارتوی پن» و «به شکل آب» هم جوایزی کسب کرده و هم در گیشه و در بین مردم محبوب بوده است. فیلم اخیر او و «جادوگران» هم به تازگی پخش شده است.

هنرپیشگان شناخته شده‌ای صدایبشگی این انیمه را برعهده داشتند از جمله لنآ هدی: مورگانا (که با بازی تاج و تخت وی را به یاد داریم)؛ دیوید بردلی: مرلین (که در هری پاتر نقش خدمتکار بد اخلاق را برعهده داشت)؛ کالین اودونوگو: دوکسی کاسپران که کالین نقش بسیار پررنگی در سریال روزی روزگاری داشت و لکسی مودرانو: کلر نونیز. این انیمیشن موفق به کسب ۸۰۳ امتیاز از ۱۰ امتیاز از سایت IMDb شده است.

داستان این کار درباره پسر جادوگری به‌نام دوکسی است که همراه با استادش مرلین و قهرمانان دیگری به جنگ

هیولاهایی که در شهر کمлот هستند می‌روند و اتفاق‌هایی که دشمنانشان از جمله مورگانا برایشان پیش می‌آورد را از بین می‌برند. در ایران نیز این انیمیشن توسط فیلیمو و نماوا حمایت شده و می‌توانید از این طریق به تماشای آن بنشینید. در سال ۲۰۱۴-۲۰۰۸ نیز توسط شبکه BBC one سریال به‌نام «مرلین» به کارگردانی دیوید موور پخش شد که در سال ۲۰۱۹ امتیاز این سریال به شبکه نتفلیکس داده شد. در این سریال کالین مورگان (مرلین)، بردلی جیمز (آرتور پندراگون)، کتی مگگریث (مورگانا)، انجل کولبی (گونپور)، ریچارد ویلسون (گایوسوس) و آنتونی هِد (اوتر پندراگون)، نقش آفرینی کردند. در این سریال مرلین جادوگری است که به خاطر ممنوع بودن جادو در شهر کمлот مخفیانه از آرتور مراقبت می‌کند تا او به سلطنت برسد. مورگانا که دختر یکی از پادشاهان شهرهای اطراف بوده و پدرش در جنگ با اوتر کشته شده از دوران طفولیت با آرتور بزرگ شده و به نوعی خواهر اوست که درونش جادوی سیاهی وجود دارد و در قسمت‌های بعدی به‌عنوان دشمن مرلین شناخته می‌شود.

این سریال پنج فصل است که هر فصل سیزده قسمت دارد و مجموعاً شصت و پنج قسمت است.

تا حدودی می‌توان گفت که «جادوگران: داستان‌هایی از آرکادیا»، بسیار شبیه به سریال مرلین است و پیشنهاد خوبی است که افرادی که علاقه‌مند این ژانر هستند و قصد دیدن این انیمیشن را دارند ابتدا به تماشای سریال مرلین بپردازند.



در شرایط ترس، رخت، افسردگی و نومیدی از آینده تمام نقاب‌ها برداشته می‌شود. در این آثار «سگ» و «روزهای سگی» که اصطلاحی در زبان انگلیسی به معنی گرم‌ترین روزهای تابستان است که موجودات را به جنون می‌رساند، به عنوان نمادی از رخت، حالات روانی و ترس از آینده به کار رفته‌اند. در استیمنت این نمایشگاه آمده است: «آب دریا جوشید، شراب ترش

نمایشگاه می‌گوید: «نمایشگاه «روزهای سگی ۲۰۲۰» درباره روزهای سخت دوران اخیر و تأثیر آن بر حالات، روحیه و پیچیدگی‌های روانی انسان‌هاست که در اثر یک بحران هویدا می‌شوند. در دوره‌های بحران، هنگامی که حادثه یا شرایطی پیش می‌آید که روند عادی زندگی را برهم می‌زند روی دیگری از انسان‌ها بروز می‌کند که در شرایط عادی هرگز دیده نمی‌شود.

نمایشگاه‌ش می‌گوید: «نمایشگاه «روزهای سگی ۲۰۲۰» در گالری آر تیفتک نیویورک ۱۹ آذرماه افتتاح شد و تا ۵ دی ماه در حال برگزاری است. این نمایشگاه را می‌توان از طریق صفحه اینستاگرام این گالری با نام artifact دنبال کرد. اقرا صفرمنند نقاش دریا

مریم سادات کوشه
خبرنگار

نمایشگاه انفرادی اقرا صفا با عنوان «روزهای سگی ۲۰۲۰» در گالری آر تیفتک نیویورک ۱۹ آذرماه افتتاح شد و تا ۵ دی ماه در حال برگزاری است. این نمایشگاه را می‌توان از طریق صفحه اینستاگرام این گالری با نام artifact دنبال کرد. اقرا صفرمنند نقاش دریا

چند خطی به بهانه ۵ دی‌ماه سالروز تولد بهرام بیضایی

سایه تان مستدام و حیف که اینجا نیستید

محسن بوالحسنی
خبرنگار

نوشتن از بهرام بیضایی آن هم چیزی کوتاه در ستایش او و پنجم دی ماهی که او به دنیا آمد واقعاً کار سختی است. همین که اسم و فامیلش را بنویسی از هر گوشه پرونده یا گنجینه کارنامه حرفه‌ای‌اش

چیزی بیرون می‌زند که خودش نیاز به کلی مذاقه و بحث و حرف دارد. آقای بیضایی که حالا دیگر پا به ۸۲ سالگی می‌گذارد ۵ دی ۱۳۱۷ در تهران به دنیا آمد و خانواده و نسبی داشت اهل شعر و سخنوری و نمایش و البته تعزیه‌دار که سرسلسله‌اش به ملا محمد فقیه آرائی، متخلص به روح‌الامین می‌رسید. بهرام بیضایی، که سرکلاس‌های محمد معین و پرویز ناتل خانلری در دانشکده ادبیات قرارش نمی‌گرفت درس را ناتمام رها کرد و در سال ۱۳۳۸ در اداره ثبت اسناد و املاک دماوند استخدام شد و یک روز در همین دماوند و در روستای

گیلپارد پای تعزیه نشست و دیگر از فکر تعزیه بیرون نیامد و شروع کرد به پژوهش در این زمینه. بیضایی از دهه چهل، تا امروز چندین و چند کار درخشان در سینما و تئاتر تولید و ارائه کرده که هر کدامش برای هنر این مملکت یک شاخص محسوب می‌شود و یک کلاس هنری برای کارگردانی که خیلی‌ها حسرت نبودش در ایران را می‌خورند و آوردن لیستی از این آثار کار آن چنان تازه‌ای نیست، چون کسی نیست که اینها را نداند. با این‌همه فکر کردم درباره نمایشنامه‌ای از بهرام بیضایی چند خطی بنویسم که همین چند روز پیش دستم گرفته بودم. می‌خواندم برای چیزی مثل یک تحقیق و قرار نبود غرق شوم در نمایشنامه «افرا، یا روز می‌گذرد» که شدم. این‌طور که بعدتر رفتم و خواندم طرح اولیه این متن، سینمایی بوده و در دهه ۱۳۶۰ با نام «طوبا» نوشته شده بوده و نه «افرا» و در نهایت بهرام بیضایی آن را به شکل نهایی و در قالب نمایشنامه سال ۱۳۷۴ نوشت و سال ۱۳۸۱ انتشارات روشنگران و مطالعات زنان آن را منتشر کرد. نمایشنامه بعد از گیر و گرفتاری‌های بسیار از ۱۲ دی تا ۱۸ بهمن سال ۱۳۸۶ در تالار وحدت روی صحنه رفت که نه برای بیضایی و نه برای تئاتر ایران تجربه خوبی نبود و شاید جمع همین بغض‌ها در کلوی بیضایی بود که او چمدانش را برای همیشه به مقصدی خارج از مرزهای کشورش بست. «افرا یا روز می‌گذرد» یکی از آن نمونه تجربه‌های تازه و نو بیضایی در خلق شخصیت و فضای نمایشی است که اگر حتی شما خواننده کتاب هم باشید به‌سرعت با این فضای نو ارتباط برقرار می‌کنید و پی‌اش را می‌گیرید که چه اتفاقی دارد می‌افتد و چطور. بیضایی با ماضی کردن فعل‌هایی که شخصیت‌ها به زبان می‌آورند، خواننده را با شکل تازه‌ای از «گفتن» درگیر می‌کند که قبل از این، سابقه‌ای از نمایشنامه‌های ایرانی نداشته است. به همین دلیل بسیاری این نمایشنامه را، نمایشنامه‌ای بی «دیالوگ» به معنای رایجش می‌دانند. تقریباً تمامی جمله‌هایی که شخصیت‌های این نمایشنامه می‌گویند با واژه «گفتم» شروع می‌شود یا این «گفتم» را می‌شود اول هر خطی از خطوطی که شخصیت‌ها به زبان می‌آورند گذاشت. همان‌طور که اول هم اشاره شد، حرف زدن از بیضایی به این چند کلمه ختم نخواهد شد و قد و اندازه‌های بزرگ می‌طلبد و این چند خط فقط برای این یادآوری و تیریک تولد بود و اینکه بگویم: تولدتان مبارک و سایه‌تان مستدام جناب بیضایی؛ حیف که اینجا نیستید.

